

صفحات ۱۱۲ - ۹۳

## بررسی عوامل شکل‌گیری فرق و مذاهب اسلامی در ایران

سید معصوم حسینی<sup>۱</sup>

### چکیده

دگرگونی اندیشه‌ها و عقاید لازمه تفکر انسان است که اگر معیار معینی نداشته باشد، این دگرگونی می‌تواند همچنان ادامه پیدا کند. هنوز چند دهه از پیدایش دین اسلام نگذشته بود که اختلافات درون دینی آغاز شد و تشخیص فرقه و مذهب صحیح از غیر صحیح کار دشوار بود. لذا نیاز به تدوین علم فرق و مذاهب احساس شد تا بتوان اسلامی بودن یک فرقه را به راحتی تشخیص داد. عوامل مختلفی در پیدایش فرق و مذاهب نقش داشته‌اند که می‌توان به تعصب‌های کور قبیله‌ای، بدفهمی و کج‌اندیشی، منع از تدوین حدیث، اجتهاد در برابر نهی، و... را نام برد. در ادامه به تاریخچه پیدایش فرق و مذاهب در ایران پرداخته شد و عواملی مانند؛ ناآگاهی و خردگریزی، باورهای غیرمبین، تکلیف‌گریزی و نابسامانیهای اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری فرق در ایران نقش داشته‌اند.

### واژگان کلیدی

فرق، مذاهب، شناخت، اسلام، ایران.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. Email: Hosseini@Quran.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۴/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

## طرح مسأله

دگرگونی اندیشه‌ها و عقاید، لازمه تفکر انسان است، و اگر معیار معینی وجود نداشته باشد، این دگرگونی می‌تواند همچنان ادامه پیدا کند.

اما ظهور ادیان و مذاهب و مکاتب مختلف، افکار بشری را حول محورهای خاص به گردش درآورده و از پراکندگی بیش از حد جلوگیری کرده‌اند. در این میان، پیدایش اسلام به عنوان دین خاتم، نقطه عطفی در تاریخ فکر بشری به وجود آورد؛ زیرا پیام نویدبخ شخاتمیت این بود که کاروان خرد و فکر بشری به قدری رشد یافته که می‌تواند در چارچوب این دین کامل، بدون نیاز به ظهور دین جدیدی به سر منزل مقصود برسد. شاید اگر اسلام در مسیر اصلی‌اش قرار می‌گرفت، می‌توانست با کمترین اختلاف دینی، بشر را به سعادت رهنمون کند.

اما هنوز چند دهه از پیدایش دین اسلام نگذشته بود که همچون سایر ادیان، اختلافات درون دینی آغاز شد و به مرور زمان، تحت تأثیر عوامل مختلف فکری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و... سرعت گرفت. به گونه‌ای که تنها پس از گذشت سه قرن در اوایل قرن چهارم، هر ناظر و محقق بیرونی را برای یافتن حق و حقیقت از میان آن همه مسلک، مذهب و نحله منتسب به اسلام دچار تحیر و سرگردانی می‌کند. از این رو نیاز به تدوین علمی که در آن عقاید و آرای گروه‌های مختلف منتسب به اسلام بیان شده باشد بیش از پیش احساس شد تا پژوهشگر و منتقد بتواند با مطالعه آن علم از آرای فرقه‌های مختلف آگاهی یابد و سپس به سه مقیاس کتاب و سنت و عقل آنها را در بوته آزمایش گذارد و سره را از ناسره بازشناسد.

### ۱- واژه شناسی

فِرَق جمع «فرقه» و فرقه به معنای دسته، گروه و طایفه آمده است. (معین، ۱۳۵۰، ۲: ۲۵۳۳)

«مذهب» را اهل لغت به شعبه‌ای از دین، روش، طریقه، دین و کیش معنا نموده‌اند.

(همان، ۳: ۳۹۷۶)

نویسندگان عرب در کتابهای تاریخ ادیان و مذاهب، از دو واژه «ملل و نحل» استفاده نموده‌اند.

«ملت» در لغت عربی به معنای شریعت و دین است؛ یعنی آنچه که خداوند برای رسیدن بندگانش به سعادت، به واسطه انبیاء وضع نموده و جمع آن ملل است. (انیس، ۱۳۹۲، ۲: ۳۶۴) نحل، جمع «نحله» به معنای دین و مذهب (شروتوتی، ۱۴۰۳، ۵: ۳۶۴) است.

واژه ملت در قرآن کریم مکرر آمده است و به دو معنای «آیین الهی و حق» و «باطل و غیر الهی» به کار رفته است. در مورد آیین الهی می‌فرماید: «ثم اوحینا الیک ان اتبع ابراهیم حنیفا...» (نمل/۱۲۲)

[پس به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم حق‌گرای پیروی کن].  
و در مورد آیین غیر الهی می‌فرماید: «انی ترکت مله قوم لایومنون بالله و هم بالآخره هم کفرون» (یوسف/۳۸)

[من آیین قومی را که به خدا اعتقاد ندارند و منکر آخرتند رها کردم].  
موارد استعمال این واژه در قرآن کریم بیش از نه مورد می‌باشد. واژه «نحله» به معنای مورد بحث در قرآن کریم استعمال نشده است. در اصطلاح نویسندگان تاریخ ادیان و مذاهب هم، این واژه به معنای لغوی آن به کار گرفته شده است. (سبحانی ۱/۱۳۷۱/۲۷)

### تعریف علم فرقه‌شناسی اسلامی

از مجموع کتابهایی که در این علم نوشته شده‌اند می‌توان آن را چنین تعریف کرد:  
«فرقه‌شناسی اسلامی علمی است که متکفل بیان عقاید کلامی خاص فرقه‌هایی است که از اسلام نشأت گرفته‌اند».

- این علم فقط به گروه‌های سه‌گانه می‌پردازد که در بستر اسلامی به وجود آمده‌اند:
- ۱- گروه‌هایی که سه اصل کلامی توحید، نبوت و معاد را پذیرفته‌اند. به عبارت دیگر، گروه‌هایی که طبق مبانی اسلامی می‌توان آنها را مسلمان دانست.
  - ۲- گروه‌هایی که به اصول فوق یا بعضی از آنها خدشه وارد کرده‌اند و طبق اصول و مبانی اسلامی و نیز بیشتر مسلمانان، از حوزه مسلمانی خارج شده‌اند اما خودشان خود را مسلمان می‌دانند؛ همانند گروه‌های مختلف غلات که با وجود خدشه وارد کردن به الوهیت و نبوت و یا حتی معاد، باز به آیات قرآن استناد می‌کنند.

۳- گروههایی که این اصول را پذیرفته‌اند و خود را نیز مسلمان نمی‌دانند؛ مانند: گروههای بهائیت که دین خود را ناسخ دین اسلام می‌دانند اما به هر حال در بستر اسلامی و با تأثیرپذیری از عقاید اسلامی خود را مطرح می‌کنند.

### فواید علم فرقه‌شناسی در اسلام

«این دانش همان‌گونه که از نام آن پیداست به بحث در مورد مکتب‌های فکری و شعب درون یک دین می‌پردازد». (همان)

فایده و کاربرد این علم را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- آگاهی از جهات اشتراک و اختلاف فرق و مذاهب؛
- ۲- شناخت ادیان و مذاهب و شعب مختلف آنها و آشنایی با تولد و رشد و توسعه آنها و از بین رفتن آنها و علل این مسائل؛
- ۳- نقد مستدل و مستند فرق و مذاهب؛
- ۴- این علم می‌تواند به گونه‌ای مورخ و تحلیل‌گر تاریخ اسلام را یاری کند؛ چرا که هنگام بررسی جریانهای تاریخ اسلام، به نام بعضی از فرقه‌ها یا رهبران آنها برخورد می‌کنیم که شناخت آنان و عقایدشان می‌تواند در فهم بهتر این گونه جریانها مفید افتد.
- ۵- عالم رجالی نیز می‌تواند به گونه‌ای دیگر از این علم بهره گیرد، بدین ترتیب که با شناخت صحیح عقاید گروههای مختلف می‌تواند به گونه‌ای دقیق‌تر درباره افراد منسوب به آن گروهها که در سلسله اسناد احادیث واقع شده‌اند، داوری کند. از رهگذر این فایده، فقیه نیز می‌تواند هنگام دقت در سلسله اسناد روایات فقهی طبق مبنای خود از آن بهره گیرد.

### تاریخچه اجمالی فرق و مذاهب اسلامی

بحث از فرق و مذاهب در میان انسانها به شکل مدوّن و غیرمدوّن رایج بوده است. تاریخ فرق و مذاهب را در میان مسلمانان از زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در قرآن می‌یابیم؛ «برای نمونه در سوره بقره حدود شصت آیه (بقره/ ۱۰۰-۴۰) سرگذشت بنی‌اسرائیل و قانون‌شکنی‌های آن قوم را ذکر نموده است».

راجع به اقوام گذشته، قوم نوح، لوط، ابراهیم، شعیب، و... نیز گزارشهایی در قرآن

آمده است.

با مراجعه به کتاب‌شناسی‌ها در می‌یابیم که نگارش در خصوص علم ملل اسلامی، از اوایل قرن سوم هجری آغاز شده است. این امر در زمانی بود که امت اسلامی جریانهای مختلف سیاسی دخیل در فرقه‌سازی و همچنین جریان‌های فرهنگی مؤثر در پیدایش فرقه‌ها همچون نهضت ترجمه و نیز اختلاط امت اسلامی با مردم سرزمین‌های دیگر همانند ایران، روم و هند را پشت سر گذاشته و ظهور انواع و اقسام فرقه‌ها را در درون خود تجربه کرده بود. (تهرانی، ۱۳۷۸، ۱۶/۱۷۴)

### معیار اسلامی بودن فرق چیست؟

معیار اسلامی بودن یک فرقه یا مذهب این است که اسلام را قبول داشته باشد، و به عبارت دیگر مسلمان باشد. حال سؤال این است که اسلام چیست؟ و مسلمان کیست؟ اسلام در لغت مشتق از «سلم» و به معنی داخل شدن در سلامتی و آرامش و انقیاد است. (طبرسی ۱/۱۳۷۹/۲۴۰)

معنای اصطلاحی و شرعی آن عبارت است از: تدین به دین اسلامی (شرتونی ۱/۱۴۰۳) حال اگر کسی به وجود خداوند و یگانگی او و اعتقاد به ضروریات دین و نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و آنچه او از جانب خداوند آورده است اقرار نماید، مسلمان خواهد بود و نخستین مرتبه از اسلام و ایمان که آثار شرعی اسلام که در کتب فقه بیان شده، بر آن مترتب می‌گردد؛ یعنی جان و مال او حرمت پیدا می‌کند، ارث می‌برد، در قبرستان مسلمین دفن می‌شود و...

### ۲- علل پیدایش فرق و مذاهب

اگر مسلمانان در زمان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از وحدت خاصی برخوردار بودند به خاطر این بود که عظمت مقام رسالت حضرت، مانع از بروز دوگانگی بود. ولی پس از درگذشت حضرت، شکاف عجیبی در میان آنان پدید آمد و وحدت و ایثار جای خود را به جدال و نزاع کلامی و احیاناً به نبردهای خونین، آن هم بر سر عقاید داد. مهم‌ترین مسئله در این مورد، بررسی علل پیدایش اختلاف‌ها و پی‌ریزی مذاهب است که در کتابهای مربوط به تاریخ عقاید، پیرامون آن کمتر گفتگو شده و حق ادا نشده است.

بعد از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای گروهی از مسلمانان، مسائل کلامی مطرح نبود و آنان جز به جهاد و نشر اسلام در جهان به چیزی نمی‌اندیشیدند. در برابر، گروهی فرصت طلب به گردآوری مال و ثروت و کسب قدرت و سلطه اشتغال جسته و از این نوع مسائل غافل بودند.

در برابر این دو گروه (۱- ایثارگر و جهادگر؛ ۲- دنیاطلبان و ثروت‌اندوزان)، دسته‌سومی بودند که به مسائل عقیدتی می‌اندیشیدند و تفکر در آن کار، رسمی و شغل مهم آنان بود.

سرانجام این گروه عقیدتی در سایه یک رشته عوامل، پدید آورنده اختلاف و دو دستگی شدند. این عوامل به طور مطلق عبارت است از:

- ۱- تعصب‌های کور قبیله‌ای و گرایش‌های جزئی؛
- ۲- بد فهمی و کج‌اندیشی در تفسیر حقایق دینی؛
- ۳- منع از تدوین حدیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)
- ۴- خودخواهی و هواپرستی؛
- ۵- برخورد مسلمانان با ملت‌های متمدن؛
- ۶- اجتهاد در برابر نص. (سبحانی، ۱۳۷۱، ۶۰/۱)

اینک هر یک از این عوامل را به طور خلاصه و فشرده مطرح می‌کنیم.

### عامل اول. «تعصب‌های کور قبیله‌ای و گرایش‌های حزبی»

نخستین اختلاف در میان مسلمانان، پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مسئله خلافت و تعیین جانشین بود.

کسانی که مسئله خلافت را یک مقام تعیین شده و منصوب از جانب خداوند می‌دانستند با تکیه بر احادیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مانند حدیث غدیر و حدیث منزلت، خلافت را از آن علی (علیه‌السلام) می‌دانستند. در منطق این گروه تعصبات قبیله‌ای مطرح نبود.

ولی متأسفانه منطبق مخالفان علی (علیه‌السلام) در سقیفه، چه انصار و چه مهاجر، بر محورهای دیگر دور می‌زد.

بزرگان انصار و مهاجرین در سخنرانی خود در سقیفه به جای تکیه کردن بر مسئله تقوا، پرهیزگاری، قدرت اراده، داشتن بینش صحیح و اطلاع از اصول و فروع، هر کدام خدمات قبیله خود را نسبت به صاحب رسالت مطرح ساختند تا از این طریق حکومت و خلافت را به دست آورند.

علم به اصول و احکام و آشنایی به نیازهای جامعه از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نیز مدیریت، شرط اساسی جانشینی از صاحب رسالت است. چیزی که در سقیفه از آن سخن به میان نیامد، همین شرایط بود. آیا شایسته و لازم نبود که این افراد به جای اینکه بر قومیت و دیگر ملاک‌های واهی تکیه کنند، موضوع علم و دانش را ملاک قرارداد و در میان یاران رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فردی را که به اصول و فروع اسلام آشنایی کامل داشت و از آغاز زندگی تا آن روز لغزشی در زندگی او دیده نشده بود برای زعامت انتخاب کند و به جای خودبینی، مصالح اسلام و مسلمین را در نظر بگیرند؟

### عامل دوم. جمود فکری و کج اندیشی در فهم معارف کتاب و سنت

قسمت مهمی از مذاهب، زائیده جمود و کج فکری و تنگ نظری است، تا آنجا که در تقدیس ظواهر «کتاب خدا» و «سنت» پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آن قدر از خود جمود و خشکی نشان داده‌اند که عقل و خرد و داوری فطرت و وجدان را فدای ظاهر ابتدایی آیات و روایات ساخته و در نتیجه مذاهبی را پی‌ریزی کرده‌اند.

شکی نیست که کتاب خدا و گفتار پیامبر گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر همه مسلمانان حجت است و بر همه لازم است که از آن پیروی کنند.

ولی در بهره‌گیری از قرآن باید دقت بیشتری کرد و معانی تصویری را از مقاصد تصدیقی و ظهور ناپایدار را از ظهور پایدار جدا ساخت.

طوایفی در اسلام به نام «مرجئه» «مجسمه» «مشبهه» و «خارجی» پدید آمدند و کتاب و سنت را مدرک اندیشه‌های خود شمرده و بر آن تکیه جسته‌اند و مخالفان خود را به مخالفت با کتاب و سخنان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) متهم کرده‌اند.

این گروهها نخست به آیات و روایاتی استناد جسته‌اند که در آنها الفاظ «ید» «عین» و «وجه» وارد شده و در مقام تفسیر به ظاهر ابتدایی اکتفا کرده‌اند.

از باب نمونه به تفسیر این آیه از جانب اهل حدیث توجه بفرمایید:  
قرآن در مقام انتقاد از اندیشه یهود که خدا را به بخل و عجز متهم کرده است  
می‌فرماید: «بل یداه مبسوطان ینفق کیف یشاء». (مائده/۶۴)

[بلکه هر دو دست او باز است، هر گونه بخواهد انفاق می‌کند].  
سطحی نگرها، فورا برای خدا دو دست ثابت کرده‌اند که با آن انفاق می‌کند. اگر  
خیلی بخواهند اظهار قداست کنند، همانند «اشعری» می‌گویند:

«خدا دو دست دارد ولی کیفیت آن برای ما روشن نیست». (سبحانی، ۱۳۷۱، ۶۹)  
مسلمانان پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گرفتار گروهی شدند که در لباس  
تقیّد به دین و التزام به ظواهر، چنین افکاری را وارد حوزه اسلام کردند و هر نوع تعقل و  
جهش فکری را کفر و زندقه خواندند.

### عامل سوم. «جلوگیری از تدوین احادیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)»

تأثیر منع تدوین احادیث نبوی و جلوگیری از مذاکره و نشر آن، در شکستن وحدت  
کلمه و ایجاد تشّت در اصول و فروع کمتر از دو عامل قبل نیست.

در سایه این ممنوعیت که تا عهد خلیفه اموی، عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱)، به  
صورت جدی تعقیب می‌شد و تا عصر خلافت منصور عباسی (۱۳۹ - ۱۵۸) به صورت کم  
رنگ باقی ماند، اخبار و روایات صحیح رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از اذهان و  
اندیشه‌ها محو گردید.

از آنجا که این نوع بازداری در آن زمان رنگ تقدّس به خود گرفته بود، پیامد بدتری  
به دنبال داشت و آن اینکه پس از شکستن منع قانونی و دعوت به تدوین حدیث از جانب  
خلفا، ناگهان موجی از احادیث، اقطار اسلامی را فرا گرفت و تعداد آمار احادیث بسیار  
زیاد شد و احادیث مجعول وارد احادیث صحیح شدند. از نتایج ناگوار بازداری از منع  
تدوین حدیث، پیدایش مذاهب فراوانی درباره اصول و عقاید و تفسیر و تاریخ و فضایل و  
مناقب می‌باشد.

### عامل چهارم. «خودخواهی و هواپرستی»

سیاری از مردم با آنکه حقیقت برای آنها روشن است و باطل را به خوبی می‌شناسند



به دلیل هواپرستی و حبّ مقام به جای آنکه در راه حق گام بردارند، ره باطل را می‌پیمایند. بدین جهت یکی از عوامل مهم پیدایش فرقه‌ها و مذاهب گوناگون اسلامی این است که افرادی خودخواه و جاه‌طلب و هواپرست برای آنکه موقعیتی کسب کنند، روح جاه‌طلبی را به وجود می‌آورند. آنگاه مردم ساده‌دل و از همه‌جا بی‌خبر یا سودجو و مغرض، از آنها پیروی کرده، عامل بقای آن مذهب می‌شوند.

حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه ۵۰ نهج البلاغه این حقیقت را در سطح وسیع‌تری، چنین بیان می‌فرماید: «انما بَدء وقوع الفتن اهواء تتبع، و احکام تبتدع، يُخالف فیها کتاب الله، و يتولى عليها رجال رجالا على غير دين الله فلو ان الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف عدالمترادين، ولو ان الحق خالص من لبس الباطل انقطعت عند السن المعاندين، ولكن يوخذمن هذا ضغث و من هذا ضغث فيمزجان، فهنا لك يستولى الشيطان على اوليائه، و ينجو الذين سبقت لهم من الله الحسنی». (نهج البلاغه، خ ۵۰)

همواره منشأ پیدایش فتنه‌ها پیروی بی‌حساب از خواهش‌های نفس و احکام صادره برخلاف کتاب خداست که در نتیجه گروهی ساده‌دل از گروهی مغرض پیروی می‌کنند. اگر باطل با حق آمیخته نمی‌شد راه حق بر طالبان آن پوشیده نمی‌گردید، و اگر حق در میان باطل پنهان نمی‌شد زبان دشمنان از آن کوتاه می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را با هم در آمیخته اینجاست که شیطان بر دوستانش تسلط می‌یابد (و آنها را به باطل می‌کشاند) در این میان تنها کسانی که لطف خدا شامل حالشان شده از این مهلکه نجات می‌یابند».

#### عامل پنجم. «برخورد مسلمانان با ملت‌های متمدن» (برخورد فرهنگی تمدن‌ها)

مسلمانان بعد از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای گسترش اسلام به فتوحات پرداخته و ملت‌هایی را که دارای تمدن و فرهنگ خاص بودند، مغلوب خود ساختند. در میان مسلمانان افرادی بودند که به فراگیری علوم و فنون و ادبیات ملل مغلوب علاقه داشتند و همین علاقه آنان را به مذاکره و گفتگو و سپس ترجمه کتابهای آنان به زبان عربی واداشت.

«بر این اساس، مسلمانان هوشمند بر آن شدند تا معارف یونان و روم را که در سرزمین مصر و ایران و سوریه منتشر شده بود بیاموزند و آنگاه که بر خزاین علوم یونانی

دست یافتند، همه را از زبان سریانی به عربی برگرداندند». (سبحانی، ۱۳۷۱، ۱۱۹)  
به هر حال، انتقال فرهنگ بیگانه و علوم تجربی به میان مسلمانان یکی از علل پیدایش مکاتب و مذاهب است.

### عامل ششم. «اجتهاد در برابر نص»

یکی از نشانه‌های ایمان این است که انسان آنچه را که از جانب خدا به عنوان برنامه عملی وارد شده است از صمیم دل پذیرا باشد و آنگاه طبق آن عمل کند.

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». (نساء/۶۵)

[ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آن که تو را مورد آنچه بیان آنان مایه اختلاف است داور گردانند، سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند].

آیه شریفه فوق گواه روشنی است بر اینکه فرد در صورتی در جرگه مؤمنان واقعی قرار می‌گیرد که در او یک حالت درونی به نام تسلیم نسبت به آنچه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید پدید آید.

فرد مسلمان باید نسبت به آنچه از وحی به او می‌رسد، مطیع‌تر از مرده در برابر دست‌ان‌گشال باشد، ولی برخی به مصلحت‌گرایی پرداخته، نصوص الهی را کاملاً تأویل کردند.

### درخواست قلم و کاغذ

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در آخرین لحظات زندگی خود درخواست قلم و کاغذ فرمود تا چیزی بنویسد که امت پس از وی گمراه نشوند، ولی متأسفانه اندیشه شخصی بر گفتار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که از نظر قرآن معادل کتاب خداست، مقدم شد. این قضیه را بخاری در کتاب خویش (صحیح بخاری) کتاب علم، باب کتابه العلم، ج ۱، ص ۳۰ آورده است.

مرحوم شرف‌الدین عاملی، در کتاب ارزشمند خود به نام «النص و الاجتهاد» بیش از هفتاد مورد از اجتهاد برابر نص را بعد از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) یاد آور می‌شود که یاران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و گروهی که پس از آنان آمدند مصلحت را بر نص و

غرض شخصی را بر وحی الهی مقدم داشتند. (عاملی، ۱۳۸۴)

## راه نجات

البته اختلاف افکار مردم امری طبیعی است.

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ». (هود/۱۱۸)

[اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلافند].

هرگز نباید انتظار داشت که همه افراد بشر یکسان بیندیشند و مسلمین هیچ‌گونه اختلاف فکر و سلیقه نداشته باشند. اما با معیاری که قرآن و عترت برای آنان قرار داده، باید اختلافات به حداقل کاهش یابد و در موارد اختلاف به کمک قرآن و عترت تفاهم نمایند. اسلام برای آنکه مسلمین را از فرقه‌گرایی بر حذر دارد، به آنان خاطر نشان می‌کند که تفرقه و دسته‌بندی موجب خواهد شد که آنان بر لبه پرتگاهی از آتش قرار گیرند:

«...وَكُنتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا...». (آل عمران/۱۰۳)

[...و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید...].

اسلام برای کاهش اختلافات، تعبد و تقلید را در امور اعتقادی و هوا پرستی و خودخواهی را در زندگی به شدت محکوم می‌کند: «...وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...». (ص/۲۶)

[...و از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند...].

به عالمان آگاه دستور می‌دهد که مراقب مرزهای اعتقادی مسلمین باشند و اگر اهریمنی خواست به آن تجاوز کند با منطق و استدلال از آن جلوگیری کنند:

«...إِذَا ظَهَرَ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالَمَ عِلْمَهُ وَالْأَفْعَلِيَةَ لَعْنَةُ الْمَلَائِكَةِ وَ

النَّاسِ أَجْمَعِينَ...». (قمی، ۱/۳۶۳، ۳۶)

همچنین به همه خیراندیشان هشدار می‌دهد که مؤمنان و کسانی که به مبادی اعتقادی اسلام پایبندند با هم برادرند و چنانچه میانشان اختلافی پدید آمد وظیفه آنهاست که آن را برطرف کنند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...». (حجرات/۱۰)

[در حقیقت مومنان با هم برادرند پس میان برادرانان را سازش دهید...].

### نتیجه سخن

در صورت وقوع تفرقه در میان مسلمین، وظیفه دانشمندان و عالمان آگاه است که به دور از تعصبات بی‌جا، عوامل تفرقه را شناسایی کرده، آن را ریشه کن نمایند و وحدت کلمه را به جامعه اسلامی برگردانند.

ما در عصری زندگی می‌کنیم که تهاجمات فرهنگی و تبلیغات سوء بر علیه ما از شرق و غرب در حال گسترش است. لذا باید همه نیروهایمان را صرف پیشرفت اسلام و مبارزه بادشمنان مشترک نماییم. کینه‌توزی و دشمنی‌های فرقه‌ای را از بین برده، روح برادری و صمیمیت را جایگزین آن سازیم و الا مشمول این آیه شریفه خواهیم شد که:

«إِنَّ الَّذِينَ قَرَّوْا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَفْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ».

(انعام/ ۱۵۹)

[کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند تو هیچ‌گونه مسؤولان نیستی، کارشان فقط با خداست...].

### ۳- «تاریخچه فرق و مذاهب در ایران»

بحث و بررسی درباره تاریخچه فرق و مذاهب در ایران نیاز به تألیف کتابی به طور مستقل دارد، چون از بدو ورود اسلام به ایران عوامل مختلفی در پیدایش فرق نقش داشته است. لذا ما در این رساله از دوره قاجار (۱۲۱۰ هـ ق) (برابر با ۱۷۴ هـ ش) عوامل پیدایش فرق و مذاهب در ایران را به بعد مورد بحث قرار می‌دهیم.

دوره قاجار را می‌توان عصر فرقه‌سازی و دوران پیدایی و میدان‌داری اندیشه‌های انحرافی بر شمرد. در سده «سیزده هق»، مسلک‌ها و مذاهب‌های سست بنیاد، نابخردانه، انحرافی، عزت‌سوز، فتنه‌انگیز، در مرداب‌ها و صفحه دل‌های زنگار زده رویدند و در جای‌جای سرزمین مقدس ایران، غبار انگیختند و فضا را آلودند.

در این زمان گروه‌هایی با داعیه‌های گوناگون، نغمه‌هایی ساز کردند و باورهای فاسد، خرافی و از یاد رفته پیشین را با رنگ و لعابی تازه وارد میدان اندیشه و سیاست کردند.

فرقه‌های بدعت‌گذار، گروهی از مردم سست ایمان و ناآشنا به مبانی اصلی اسلامی را

در پیرامون خود گرد آوردند و با این حرکت در بین خانواده‌ها و بخشی از جامعه اختلاف پدید آورده، و پایه‌های امنیت جامعه را سست کردند و جامعه را از ترقی و پیشرفت بازداشتند.

هرچند این موج‌های کوتاه در اقیانوس بزرگ اسلامی به چشم نمی‌آمدند، اما چون برخلاف مسیر انسانی و فطری در حرکت بودند، فتنه و فساد برمی‌انگیختند و از همه مهم‌تر، چون پاره‌ای از این‌ها به قدرت‌های بزرگ، وابستگی داشتند در دژهای امنیتی جامعه، گسست پدید آوردند و جامعه را از ترقی و کمال باز داشتند.

همزمان با فتنه‌انگیزی‌های فرقه‌ها در ایران، در دیگر سرزمین‌های اسلامی نیز مذهب‌های ساختگی و انحرافی بر سر راه حرکت دینی، غبار انگیزی می‌کردند و در راه به کرسی نشاندن اندیشه‌های باز دارنده از هر گونه تلاش ویران‌گر سر باز نمی‌زدند.

همه گروه‌های مورد بحث در دوران قاجار، در یک چیز مشترک بودند و آن خاموش کردن و فسردن شعله‌های مقدس و افروخته و روشنایی بخش شیعه بود که در جای جای میهن اسلامی و دیگر سرزمین‌ها، گرما می‌بخشیدند.

شیعه در زمان‌ها، برهه‌ها و صحنه‌های گوناگون عرصه‌داری می‌کرد و نور می‌پراکند و با مبانی قوی و روشنایی بخش خود در هر ساحتی که وارد می‌شد، حرف اول را می‌زد و پیروان از جان گذشته در پیرامون خود گرد می‌آورد.

این مکتب قوی و همیشگی، خوشایند ذهنها، فکرها و انسانهای آلوده و دستان پلید و قدرتهای تباهی آفرین نبود. از این رو همیشه بر آن بودند که یا آن را تحریف کنند و از داخل بیوسانند و از پویایی باز دارند یا نابودش کنند و تمام نشانه‌های آن را از صفحه روزگار بزدایند. کار نخست را در اویش، صوفیه، شیخیه، بابیه و... به عهده داشتند و کار دوم را اوهابیت، قادیانیه و...

اما آنچه در این نوشته برآیم این است که، می‌خواهیم بدانیم چه انگیزه‌هایی در پیدایش و گسترش مسلک‌های پوچ و بی‌هویت‌ساز اثرگذار بود و چه سبب‌ها و انگیزه‌هایی، شماری از مردم را با این گروه همراه ساخت تا ایران را عرصه تاخت و تاز اندیشه‌ها و باورهای خرافی و ناسازگار با قرآن و سیره اهل بیت قرار دهند؟

## زمینه‌های رویش و رشد فرقه‌ها

پدیده‌های مهم فکری و اجتماعی، یکباره رخ نمی‌نمایند؛ زمینه‌های فکری، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی در پیدایی آنها اثر گذارند.

چالش‌ها، نزاع‌ها و کشمکش‌های سیاسی، قبیله‌ای، عقیدتی و فکری، فقر اقتصادی و فرهنگی، پراکندگی‌ها و از هم گسیختگی‌های جامعه و ساختار سیاسی و اقتصادی، سرخوردگی مردم، نبود مشعل‌های روشنایی آفرین و راهنما، بانگ‌ها و جرس‌های بیدارگر و کانون‌های اشاعه فرهنگ و مدنیت، زمینه را برای اینکه هر روز کسی سر برآورد، بانگی سردهد، بدعتی ساز کند و شماری را پیرامون خود گردآورد و در باورهای مردم گسست پدید آورد، آماده می‌سازند. مذهب‌های و مسلک‌های انحرافی در مرداب می‌رویند. وقتی مردمانی به خاطر فقر فرهنگی و دور افتادگی از آیین ناب و فقر اقتصادی و برق تازیه‌های استبداد، از پویایی بازایستند و زمین گیر شوند، کم کم به مرداب تبدیل می‌شوند و در این مرداب است که گیاهان تلخ و سمی و کشنده می‌رویند.

جامعه انسانی، موجود زنده‌ای را می‌ماند که اگر غذا، نور، آب و روشنایی به آن نرسد و فضا نامناسب باشد، پژمرده شده، تبدیل به مرداب و محل رشد و نمو میکروب‌های گوناگون می‌شود.

اکنون در این جا، پاره‌ای از عواملی که سبب می‌شوند جامعه از پویایی درآید و پژمرده شود و زمینه حیات در آن بمیرد و به مرداب تبدیل شود، بر می‌شمریم تا روشن شود در چه جوامعی و در چه شرایطی، گروه‌های انحرافی زمینه رویش و رشد می‌یابند.

### عامل اول. «ناآگاهی و خردگریزی»

در حوزه و قلمرو اسلامی مهم‌ترین آگاهی، آگاهی به مبانی دین و آشنایی همه سویه با آموزه‌های آن است؛ چون دین همیشه در آماجگاه بهره‌برداری‌های نادرست است. مردم با عشق و احساس خاصی، بر گرد دین حلقه می‌زنند و اگر از آموزه‌های آن به درستی و دقیق آگاهی نداشته باشند، شیادان و راهزنان اندیشه که برای منافع شخصی و گروهی به جای آب، سراب نشان می‌دهند و دام می‌گسترانند و مردمان را به دام می‌اندازند، در بستر نادانی و ناآگاهی حق و باطل در هم می‌آمیزند و چنان ظلمت و سیاهی پدید می‌آید که

رهایی از آن برای هر کسی ممکن نیست. در این عرصه، بینش و بصیرت باید بالا باشد تا رهایی ممکن گردد.

جامعه‌ای که در باتلاق ناآگاهی در مانده باشد، رهزنان، کرکس‌وار در آن حلقه می‌زنند تا طعمه خویش را به دست آورند.

در کتاب و سنت، روی مسائل معنوی و رسیدن به حقیقت از راه خودسازی، زهد و پرهیز از هواهای نفسانی و تنگ گرفتن عرصه بر نفس سرکش، سخت تأکید شده است. البته این بدان معنا نیست که انسان مسلمان از دیگر مسائل مورد تأکید و سفارش اسلامچشم‌پوشد و جاده حق را یک سویه ببیند و از سوی دیگر آن غافل بماند.

هرگاه انسان مسلمان، یک سری از مسائل اسلامی را بگیرد و یک سری را رها کند و نادیده انگارد به سوی گرداب انحراف پیش می‌رود و صیدی می‌شود برای صیادان.

افزون بر آگاهی از همه زوایای دینی، در پرتو مشعل خرد حرکت کردن، راه را براندیشه‌های تباهی‌آفرین می‌بندد. همه فرقه‌هایی که در این زمان و بعد از آن پدید آمدند<sup>۱</sup> در هنگام خاموشی خرد رشد کردند.

### عامل دوم. «باورهای غیر مبین»

مردم به پاره‌ای از باورهای دینی، کشش و علاقه شدیدی دارند. این کشش و علاقه اگر با شعور و آگاهی عمیق و ژرف از زوایای مقوله اصل مورد علاقه، همراه و هماهنگ نباشد و از سوی طلایه‌داران مکتب در هر زمان، به زبان اهل زمان به درستی کالبد شکافی نشود، عاشق را حیران و سرگردان می‌کند و در وادی ناآگاهی رها می‌سازد که چه بسا طعمه گرگ شود.

اینکه مدعیان دروغین نبوت و مهدویت توانستند در مدت کوتاهی انسان‌هایی را در کمند شیطانی خویش گرفتار سازند، ریشه در عشق، میل و کشش دینی مردم و آمیخته نبودن آن با آگاهی‌های ژرف دینی داشته است.

باور به حضرت مهدی (عج) و اینکه روزی ظهور خواهد کرد، از باورهای ژرف و

۱. فرقه‌های صوفیه، شیخیه، بابیه، بهائیه، اسماعیلیه.

ارکان استوار شیعه است. این باور اگر با آگاهی همراه باشد و زوایای آن به درستی روشن گردد و مردم به همه ابعاد آن آگاه باشند، همیشه و در همه زمان، انقلاب آفرین، ستم سوز و مایه گسترش ایمان و موج آفرینی آن و همچنین سبب بیداری ملت‌ها خواهد بود.

اگر مردمی عاشق باشند و علاقه شدید به این راه و مرام داشته باشند، اما زوایای قضیه برای آنان روشن نباشد با هر موجی خود را همراه می‌سازند و بی‌اختیار در اختیار هر بادی که بوزد قرار می‌گیرند.

باور به حضرت مهدی (عج) و اینکه روزی از پس پرده به در خواهد آمد و دنیای ظلمانی را با نور خود روشن می‌کند و ستم را ریشه کن خواهد ساخت، باوری است عمیق و ژرف که نیازمند خیزش‌های بزرگ و زمینه‌سازی‌های سترگ و بیدارگری‌های همه سویه و آشنا کردن مردم با حکومت و دولت قرآنی است.

### عامل سوم. «تکلیف‌گریزی»

در بین پیروان هر مکتبی و در داخل اجتماع مردم دیندار، هستند کسانی که شوق و انگیزه کردن نهادن به بایدها و نبایدها را ندارند و همیشه تلاش می‌ورزند از زیر بار تکلیف شانه خالی کنند.

چنین افرادی خود را در جامعه دینداران زندانی می‌پندارند و به دنبال راه فرار می‌باشند، از این رو، با هر نغمه‌ای که با هواهای نفسانی اینان هم‌نوا باشد، هم‌نوا می‌شوند و با هر حرکتی که بی‌تقوایی، لاپابالی‌گری اینان را نادیده انگارد همراه می‌شوند.

رهبران فرقه‌ها و گروه‌ها، زیرکانه از این گروه از مردمان برای توانا سازی گروه خود و افزون بر شمار پیروان خود، بهره می‌برند و با تسامح و نادیده انگاشتن بسیاری از بایدها و نبایدهای شرعی، دام خود را می‌گسترانند و به هدف‌های شوم خود دست می‌یابند.

این مطلب را می‌توان با بررسی کارنامه گروه‌های انحرافی، عملکرد و پیروان آنان در طول تاریخ اسلام به خوبی به دست آورد و علت بسیاری از گرایش‌ها را به این گروه‌ها در آن جست.

شماری از صوفیان به روشنی گفته‌اند که تکلیف‌هایی چون: نماز، روزه و زکات راهی است برای تهذیب اخلاق و معرفت حقیقت و سالک راه، چون به حق و اصل شد،



این تکلیف‌ها از او برداشته می‌شود.

سید مرتضی‌رازی، از علمای سده ششم و هفتم، بسیاری از صوفیان روزگار خود را تکلیف‌گریز و اهل تسامح و تساهل فسادانگیز خوانده است. (حسنى رازى، ۱۳۱۳-۱۳۱۱) در دوره قاجار، صوفیانی از این دست که در لباس دین، مردم را از قید دستورها و آیین‌های شرعی رها می‌کردند، بسیار بود. از جمله نوشته‌اند:

«طاووس العرفاء جانشین رسمی زین الدین شروانی از قطب‌های صوفیه، چون مرید برای او هدایایی می‌آورد، می‌گفت: دیگر برای تو نماز نیست، این نیازت را پذیرفتم.» (مشکور، ۱۳۷۳، ۳۲۶)

### عامل چهارم. نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی

از دیگر زمینه‌های رشد ریشه‌های گندیده گروه‌های انحرافی آن دوره، نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی بود. ناشایستگی رهبران و کارگزاران و ستم‌پیشگی و نادادگری در رفتار، مردم را به ستوه آورده و جان‌ها را به لب رسانده بود.

توده مردم را فشارهای مالیاتی، در تنگنای سختی گرفتار ساخته بود. افزون بر این، هزینه جنگ ایران و روس بر دوش مردم سنگینی می‌کرد. در این جنگ که با پیمان‌های حقارت‌آمیز و ذلت‌بار و ننگین به پایان رسید، اضافه بر هزینه‌های کمرشکن و زندگی برباد، غیرت، حمیت، و غرور ملی مردم ایران نیز خدشه‌دار شد.

مردمانی که غیرت و حمیت‌شان لگدکوب شده، مشروعیت‌شان به یغما رفته و بسیاری از عزیزان‌شان را دشمن از دم تیغ گذرانده، در داخل نیز از زورگویی و ستم و بی‌رحمی شاه و شاهزادگان در امان نبودند.

در این هنگام شیادان وابسته به دولتهای خارجی، زمینه جدا کردن مردم از دامن پر مهر اسلام را مناسب دیدند و به نام نوآوری و اصلاح به میدان آمدند.

### نتیجه‌گیری

با تتبع و بررسی در تاریخ ایران، می‌توان به عوامل دیگری در پیدایش فرق و مذاهب دست یافت که جزء عواملی که ذکر شد، نیست.

خلاصه اینکه یک‌عده سودجو و فرصت‌طلب از احساسات پاک مردم شریف ایران

در ادوار مختلف استفاده نموده، برای مقاصد شخصی خود، فرقه و مذهب ایجاد نمودند مردم رنج دیده و مظلوم نیز که به دنبال منجی و کسی که آنها را از چنگال ظالمان نجات دهد بودند، به دنبال آنها راه می‌افتادند و کم کم و به مرور زمان این مسلک و فرقه در جامعه در بین گروهی رواج پیدا می‌کرد. متأسفانه الآن هستند گروهی که پیروان همان مسلک‌ها و فرقه‌هایی که در آن زمان به وجود آمده‌اند.

Archive of SID

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- دشتی، محمد، (۱۳۸۶)، *ترجمه نهج البلاغه*، پیام عدالت، تهران.
- اصفهانی، راغب، (۱۳۸۷)، *ترجمه نهج البلاغه*، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران.
- انیس، ابراهیم، (۱۳۹۲ق)، *ترجمه نهج البلاغه*، مجمع اللغة العربیه، قاهره.
- تهرانی، آقابزرگ، (۱۳۷۸)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، دارالاضواء، بیروت.
- بخاری، ابن عبدالله محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱)، *صحیح بخاری*، دارالطباعه العامر، استانبول، ترکیه.
- حسنی رازی، سیدمرتضی، (۱۳۱۳)، *تبصره العوام فی معرفه المقامات الامام*، مجلسی، تهران.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۷۱)، *فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی*، مؤسسه امام صادق (ع)، قم.
- سعید الحوزی، شرتونی، (۱۴۰۳)، *اقرب الموارد*، منشورات مکتبه آیه الله مرعشی، قم.
- مشرف الدین عاملی، سید عبدالحسین، (۱۳۸۴)، *النص والاجتهاد*، طلیعه نور، قم.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۷۹ق)، *مجمع البیان*، دارالمعرفه، بیروت.
- قمی، عباس، (۱۳۶۳)، *سفینه البحار*، تهران.
- معین، محمد، (۱۳۵۰)، *فرهنگ معین*، امیرکبیر، تهران.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۳)، *فرهنگ فرق اسلامی*، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد.